

# درباره دستور عدم پرداخت وجه

## چک‌های عادی

اکبر پیروفر

حساب وجه چک را تامین نماید، یعنی وجه را به حساب جاری واریز کند و بانک آن را به حساب مسدود منتقل نماید، ضمناً دستور عدم پرداخت را هم بپذیرد. حسن این کار این خواهد بود که چکی که دستور عدم پرداخت آن داده شده است، بدون محل تلقی نمی‌شود یا احیاناً مشکلاتی برای صادرکننده فراهم نخواهد شد.

اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری، ضمن بخشنامه شماره ۴۰۳۷ مورخ ۷۹/۷/۱۹ نظر کمیسیون حقوقی بانک‌ها را به شرح زیر به بانک‌ها ابلاغ کرده است: با توجه به تکلیف بانک به اجرای دستور صاحب حساب، ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها حسب ماده ۱۴ قانون صدور چک (با رعایت تبصره ۲ همان ماده) موکول نمودن قبول دستور عدم پرداخت به تامین وجه چک از طرف دستور دهنده، حسب قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۱۴، مطابق موازین قانونی نمی‌باشد و تکلیف بانک به نگهداری وجه چک در حساب مسدود صرفاً در صورتی است که وجه چک در حساب مربوطه موجود باشد. حال این پرسش مطرح می‌شود که چه تفاوتی هست بین اینکه وجه چک از ابتدا در حساب جاری موجود باشد یا در لحظه صدور دستور عدم پرداخت، وجه چک در حساب جاری تامین گردد؟

به موجب نامه شماره ۲۵۰۰ مورخ ۸۰/۹/۱۷ اداره اطلاعات بانکی بانک مرکزی، در جهت تسهیل در رفع سوائت از چک‌های برگشتی مشتریانی که قادر به تسلیم لاشه چک و یا ارایه رضایت نامه از ذینفع (کسی که گواهی نامه عدم پرداخت چک به نام وی صادر گردیده) به بانک نمی‌باشند، می‌توانند در صورتی که حساب جاری ایشان نزد شعبه مفتوح باشد و توسط مراجع قضایی مسدود نشده باشد، معادل وجه چک یا چک‌های برگشتی را به حساب جاری خود واریز و از شعبه کتیباً، درخواست نمایند تا مبالغ واریزی مورد بحث برای پرداخت وجه چک یا چک‌های برگشتی نزد شعبه مسدود شود و تا تعیین تکلیف قطعی چک و یا حداکثر به مدت ۲۴ ماه تحت هر عنوان قابل برداشت نباشد، ضمن تایید مراتب بالا، تصویر سند واریز وجه به انضمام تقاضای کتیبی مشتری را با اعلام تاریخ تامین موجودی جهت رفع سوائت بر بانک مرکزی اعلام نمایند.

مطلبی که در این نوشته مورد نقد قرار می‌گیرد و

بانک‌ها ابلاغ شده است.

اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری نیز ضمن بخشنامه شماره ۴۷۰۴ مورخ ۷۹/۸/۳۰ که در آن به اظهار نظر کمیسیون حقوقی بانک‌ها در جلسات مورخ ۷۷/۱۱/۳ و ۷۹/۶/۵ هم استناد شده است، قبول دستور عدم پرداخت وجه چک را توسط بانک پذیرفته، لکن تاکید بر این کرده که در این گونه موارد لازم است وجه چک توسط صاحب حساب نزد بانک تامین شود. منظور از تامین وجه چک اینست که هر گاه همزمان با وصول دستور عدم پرداخت به بانک، حساب جاری فاقد موجودی برای پرداخت وجه چک مورد نظر بود، صاحب حساب می‌بایست وجه چک را به حساب جاری خود واریز نماید تا بانک دستور عدم پرداخت را قبول کند.

پرداخت این گونه چک‌ها، موضوع را موکول به تعیین تکلیف توسط مراجع قضایی یا عدول صاحب حساب از دستور صادره نموده‌اند که به نظر می‌رسد بهتر بود در این مورد فقط عدول صاحب حساب از دستور صادره ملاک قرار بگیرد.

مطابق ماده ۱۴ قانون صدور چک، صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگر تحصیل گردیده، می‌تواند کتیباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک هم پس از احراز هویت دستور دهنده، از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارایه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. در تبصره ۱ ماده ۱۴ هم آمده است: در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود، بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده، در حساب مسدودی نگهداری نماید.

آنچه از ماده ۱۴ و تبصره ۱ آن استنباط می‌شود، این است که دستور عدم پرداخت ناظر به چک یا چک‌هایی است که وجه آنها در حساب جاری مربوط وجود دارد که اگر غیر از این باشد، نگاه داشتن وجه چک در حساب مسدودی نزد بانک مفهومی نخواهد داشت. اما این حالت هم ممکن است اتفاق بیفتد که در صورت نبودن وجه چک در حساب جاری، صاحب

در ماده ۳ قانون صدور چک، صادرکننده از صدور دستور عدم پرداخت وجه چک منع شده است و ضمن ماده ۷ همان قانون آمده است که هر کس مرتکب تخلف مندرج در ماده ۳ گردد که یکی از تخلفات هم همان دادن دستور عدم پرداخت چک است، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال و حسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارایه چک به بانک محکوم خواهد شد.

مانعت صادرکننده چک از صدور دستور عدم پرداخت وجه چک، منطقی و معقول می‌باشد، زیرا حسب ماده ۳۱۰ قانون تجارت، صادرکننده چک وجه چک را به دیگری واگذار کرده و در واقع، آن را از دارایی و مایملک خود خارج کرده است. بنابراین، صدور دستور عدم پرداخت کار صحیحی نمی‌تواند باشد، گرچه در مقررات موجود صدور چک، به این معنی توجه لازم نشده است و چون ورود به این موضوع در محدوده نوشته حاضر نیست، لذا به آن نمی‌پردازیم. اما چون در ماده ۷ مجازات‌هایی برای تخلف از ماده ۳ منظور شده است، صادرکننده‌ای که دستور عدم پرداخت می‌دهد، در واقع، مسوولیت کار و مجازات‌های مقرر را می‌پذیرد. به این جهت، با قبول مسوولیت دستور صادره از طرف صاحب حساب، مانعی برای قبول دستور توسط بانک محال علیه به نظر نمی‌رسد و ذکر علت هم ضرورت ندارد، چون این مساله ارتباطی با ماده ۱۴ قانون صدور چک ندارد. مضافاً اینکه، اداره حقوقی وزارت دادگستری وقت در پاسخ استعلام نظر شماره ۲۰۲۰/کد ۱۴۶۰ مورخ ۶۰/۱۱/۲۸ بانک تجارت گفته است: با توجه به مواد ۲ و ۳ و ۶ و ۱۳ قانون صدور چک، مصوب ۱۳۵۵، دستور عدم پرداخت چک از ناحیه صادرکننده در هر حال برای بانک محال علیه لازم‌الرعایه است، منتها اگر دستور صادرکننده بر عدم پرداخت بدون ذکر علت باشد، موضوع مشمول ماده ۶ (در حال حاضر ماده ۷) و اگر دستور مزبور با تصریح جهات مذکور در ماده ۱۳ (در حال حاضر ماده ۱۴) باشد، موضوع مشمول مقررات ماده ۱۳ قانون صدور چک خواهد بود، ولی اگر این درخواست از طرف دارنده یا ذینفع صورت گیرد، باید به یکی از علل مذکور در ماده ۱۳ باشد. ضمناً در سال ۱۳۷۰ همین متن به اداره نظارت بر امور

مطالب بالا که صرفاً برای روشن شدن موضوع به عنوان مقدمه ذکر شد، ممانعت از واریز وجه به حساب جاری در اجرای ماده ۱۴ قانون صدور چک می‌باشد. در اجرای ماده ۳ تأکید به تأمین وجه در حساب جاری شده، در عین حال که نظریه ابرازی اداره حقوقی قوه قضاییه منصرف از این موضوع می‌باشد، اما در اجرای ماده ۱۴ تأمین وجه در حساب جاری منع شده است. از طرف دیگر، مطابق دستورالعمل شماره ۳۵۰۰ مورخ ۸۰/۹/۱۷ اداره اطلاعات بانکی، واریز وجه به حساب جاری در مساله رفع سوءاثر از چک‌های برگشتی پذیرفته شده است.

اشکالی که در ممانعت از تأمین وجه در اجرای ماده ۱۴ به نظر رسیده، اینست که تأمین وجه در حساب جاری مفید این فایده است که چک صادره بدون محل نخواهد بود و هر گاه اتهام سرقت یا جعل یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا هر جرم دیگر در مرجع قضایی اثبات نگردید، وجه چک قابل پرداخت خواهد بود. اما وقتی که بانک قبلاً مانع تأمین وجه چک مورد ادعا شود، چک بدون محل خواهد بود و بانک موجبات تعقیب کیفری صاحب حساب را به نفع دارنده چک فراهم کرده است. از طرف دیگر، چنین رفتاری، یعنی ممانعت از تأمین وجه چک، موجب افزایش چک‌های بدون محل و افزایش دعاوی و شکایات مربوط به چک در مراجع قضایی خواهد شد. وقتی که تأمین وجه چک‌های برگشتی برای رفع سوءاثر پذیرفته شده است، چه اشکالی داشت که تأمین وجه در ماده ۱۴ هم پذیرفته می‌شد تا چک به مرحله برگشت و رفع سوءاثر نرسد؟

عمل بانک موجبات تعقیب کیفری صاحب حساب را توسط دارنده به جرم صدور چک بدون محل فراهم می‌کند، در صورتی که در روز اول تأمین وجه میسر بوده، منتها بانک مانع شده است. حال پرسش‌های زیر را از کمیسیون محترم حقوقی بانک‌ها طرح می‌نمایند:

۱- هر گاه صاحب حساب که حاضر به تأمین وجه بوده، ولی بانک نپذیرفته است، اصرار بورزد که ممانعت بانک را کتباً به من ابلاغ کنید، تکلیف بانک چیست؟

۲- در صورت تعقیب قانونی صاحب حساب از طرف دارنده، هر گاه ادعا کند که در روز اول من آماده تأمین وجه چک در حساب جاری بودم، ولی بانک نپذیرفته است و مرجع قضایی در مقام تحقیق، چگونگی را از بانک بپرسد، بانک چه پاسخی باید بدهد؟

ممکن است گفته شود که وقتی که مدعی یا صادرکننده دستور عدم پرداخت نتوانست موارد مطرح در ابتدای ماده ۱۴ را در دادگاه ثابت نماید و دارنده

چک ذیحقی شناخته شد، به حکم تبصره ۱ انصراف خود را به بانک اعلام می‌نماید و چون چک محلی نداشته تا در حساب مسدود نگهداری شده باشد، ناگزیر برای احتراز از عواقب صدور چک بدون محل، وجه چک به فوریت می‌بایست در حساب جاری تأمین بشود و این کار انجام می‌یابد و دارنده چک وجه آن را وصول می‌نماید. پس در نهایت ممانعت بانک از تأمین وجه چک مشکلی برای صاحب حساب که قصد صدور چک بدون محل را نداشته، ایجاد نمی‌کند. این توجه فقط ناظر به صاحب حساب است که می‌تواند خود را از عواقب صدور چک بدون محل حفظ کند، اما موثر در نظریه کمیسیون حقوقی بانک‌ها نمی‌تواند باشد، چون منع قانونی برای تأمین وجه در ابتدای کار به نظر نمی‌رسد و تفاوتی بین اینکه محل پرداخت وجه چک از قبل وجود داشته، یا تأمین وجه همزمان با صدور دستور عدم پرداخت وجود ندارد. دقیقاً قصد و نیت از تأمین وجه این است که چک بدون محل صادر نشده باشد و این ارتباطی به بانک ندارد تا مانع شود.

○ مطابق دستورالعمل اداره اطلاعات بانکی، واریز وجه به حساب جاری در مساله رفع سوءاثر از چک‌های برگشتی پذیرفته نشده است.

یادآور می‌شود که یکی از بانک‌ها ضمن نامه شماره ۱۹۵۰۲ مورخ ۷۷/۸/۲ درباره ماده ۱۴ سه فقره پرسش را با اداره حقوقی قوه قضاییه مطرح نموده که پرسش سوم چنین است: در حالت بدون محل بودن وجه چک، آیا بانک موقف دریافت دستور عدم پرداخت به استناد ماده ۱۴، می‌تواند به دستوردهنده تکلیف نماید که معادل وجه چک را قبلاً تأمین نماید تا ماده ۱۴ و تبصره‌های آن مصداق پیدا کند؟

پاسخ واصله به موجب نامه شماره ۷/۶۰۹۹ مورخ ۷۷/۸/۱۹ درباره پرسش سوم ذیلاً نقل می‌شود: «مورد مذکور در بند ۳ موجه می‌باشد و بانک می‌تواند به دستور دهنده توقیف وجه چک پیشنهاد نماید که اجابت درخواست وی مستلزم واریز وجه چک به حساب جاری است.»

در وضعیتی که با صدور دستور عدم پرداخت، حساب جاری فاقد موجودی بوده، نظریه ابرازی از طرف اداره حقوقی قوه قضاییه چنین است: «صدور دستور عدم پرداخت موضوع ماده ۱۴ قانون صدور چک بلامحل منصرف به وجود کل وجه چک در حساب جاری می‌باشد. بنابراین، اگر حساب جاری خالی از وجه باشد، درخواست ذینفع بی‌مورد است. در

نتیجه، چنین درخواستی (یعنی وقتی حساب جاری خالی از وجه باشد) منطبق با ماده ۱۴ نمی‌باشد و همانطور که فوقاً گفته شد، وقتی وجه در حساب جاری موجود نیست، موردی برای اعمال ماده ۱۴ نیست. با این ترتیب، همانطور که اشاره شد، برای اعمال ماده ۱۴ دستور دهنده توقیف می‌تواند همزمان وجه چک را به حساب جاری واریز نماید.»

در وضع حاضر که در مورد ماده ۳ قبول دستور عدم پرداخت مشروط به تأمین وجه چک شده است، در قانون صدور چک توضیحاتی وجود دارد که با استفاده از آنها تأمین وجه در ماده ۱۴ را هم می‌توانیم بپذیریم. به نکات ذیل توجه بفرمایید:

۱- ماده ۹ قانون صدور چک مشعر بر اینست که در صورتی که صادرکننده چک قبل از شکایت کیفری وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته، یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید، قابل تعقیب کیفری نیست. از این ماده قسمت مورد استناد عبارتست از اینکه صادرکننده را مجاز می‌داند که موجبات پرداخت وجه چک را در بانک محال علیه فراهم نماید، یعنی وجه چک را به حساب جاری خود واریز نماید. سپس در پایان ماده آمده است که در مورد اخیر، یعنی واریز وجه چک به حساب جاری، بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده چک و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

۲- در ماده ۱۲ این عبارت وجود دارد: «با موجبات پرداخت وجه چک و خسارات را فراهم کند» قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد. فراهم کردن موجبات پرداخت وجه، واریز وجه چک به حساب جاری هم می‌تواند باشد.

۳- ضمن ماده ۱۸ در دو جا اشاره به تأمین وجه چک در بانک شده است که هرگاه تأمین نشده باشد، مرجع رسیدگی مکلف به اخذ وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی شده است.

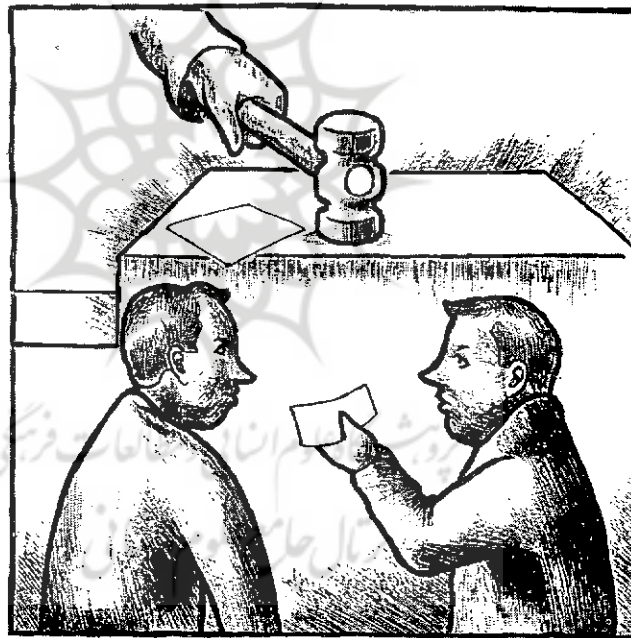
با عنایت به موارد ذکر شده در بالا که قانون تأمین وجه چک را قبول کرده است، چرا مشایه ماده ۳ در ماده ۱۴ عمل نشود؟ برطبق ماده ۱۴ دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده، شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده (یعنی سرقت، جعل، کلاهبرداری، خیانت در امانت یا جرایم دیگر) ثابت شود، دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون، به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد. به موجب تبصره ۱ هم، بانک مکلف شده است که وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع

رسیدگی یا انصراف دستور دهنده، در حساب مسدودی نگهداری نماید.

آنچه مربوط به مرجع رسیدگی می‌شود، عدم اثبات ادعایی است که دستور دهنده به استناد آن بانک را از پرداخت وجه چک منع کرده بود. اما در مرجع رسیدگی ثابت نشد که در این حالت، مرجع رسیدگی می‌تواند دستور پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. حالت دیگر انصراف دستور دهنده است که وقتی که انصراف خود را از عدم پرداخت وجه چک به بانک اعلام نمود، بانک وجه چک را که در حساب مسدودی نگهداری کرده، به دارنده چک پرداخت خواهد کرد.

جمع بندی و نتیجه این بحث، غیر موجه بودن ممانعت بانک از تامین وجه چک در ماده ۱۴ می‌باشد که در واقع، با این هدف که چک صادره بدون محل نباشد، تامین وجه در حساب جاری مطرح می‌شود و دلیل موجهی برای عدم قبول بانک وجود ندارد تا دوگانه عمل نماید، یعنی در ماده ۳ تامین وجه را بپذیرد و در واقع، تکلیف کند، اما در ماده ۱۴ نه. در

برعکس به ضرر دارنده چک عمل می‌کند که هرگاه به تصریح موجود در ماده ۱۴ خلاف ادعای دستور دهنده عدم پرداخت محرز گردید، وجه چک در بانک موجود نیست تا به دارنده آن پرداخت شود و در واقع، بانک موجبات ضرر و زیان دارنده چک را فراهم کرده است. از نظر ماده ۱۴ و تبصره آن، اشخاصی که می‌توانند دستور عدم پرداخت صادرکننده، عبارتند از صادرکننده چک و دارنده (ذینفع) که در تبصره ۱ تعریف شده است) و قائم مقام قانونی آنها. در حالتی که حساب جاری فاقد موجودی برای پرداخت وجه چک مشخصی می‌باشد و صاحب حساب دستور عدم پرداخت می‌دهد، چون عواقب چک بدون محل متوجه او خواهد بود و اگر نتواند علت صدور دستور عدم پرداخت را در مرجع قضایی ثابت نماید، مسوول خواهد بود، لذا مصلحت شخصی وی ایجاب می‌کند که وجه چک را همزمان با دادن دستور عدم پرداخت در حساب جاری تامین نماید تا چک بدون محل نباشد و مسوولیتی برای او فراهم نشود.



بدون محل نبودن چک‌هایی که دستور عدم پرداخت آنها صادر شده، باعث کاهش شکایات کیفری خواهد شد.

مطابق تعریف تبصره ۱ ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار شده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده). چنین شخصی دارنده چک می‌باشد. هرگاه او مدعی باشد که ثالثی به یکی از طرق مندرج در صدر ماده ۱۴ چک را به دست آورده و ثالث هم مشخص باشد و براساس قسمت دوم تبصره ۱ که گفته است: در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر شود، بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف

صورتی که در هر دو مورد، منظور و هدف یکی است و آن هم بدون محل نبودن چک و اجتناب از عواقب صدور چک بدون محل می‌باشد و این خود باعث کاهش شکایات کیفری چک‌های بدون محل خواهد شد.

به یک نکته هم می‌بایست توجه داشت که در ماده ۳ بانک در واقع، از دارنده چک حمایت می‌کند، به این معنی که در فرض شکایت دارنده چک به مرجع قضایی و لغو بودن دستور عدم پرداخت، دارنده چک به راحتی وجه چک را از بانک می‌گیرد، اما در ماده ۱۴

دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید، برحسب قسمت اول ماده ۱۴ بانک پس از احراز هویت دستور دهنده، از پرداخت وجه چک خودداری خواهد کرد در حالتی که همزمان با صدور دستور عدم پرداخت از سوی دارنده چک (ذینفع) حساب جاری صادرکننده چک موجودی برای انتقال به حساب مسدود نداشت، آیا او هم می‌تواند وجه چک را از حساب جاری صادرکننده چک تامین نماید؟ که اگر جواب مثبت باشد (در این نوشته بر محور جواز تامین وجه در حساب جاری بحث شده است) نفعی به حال او دارد و یا نه؟

در وهله اول، صاحب حساب را از عواقب صدور چک بدون محل خلاص کرده است؛ در وهله دوم، اگر علت صدور دستور عدم پرداخت از طرف دارنده چک (ذینفع) در مرجع قضایی ثابت و محرز گردید، لاشه چک می‌بایست به دستور دهنده (ذینفع) مسترد گردد تا او وجه چک را از بانک دریافت کند. در واقع، وجه چک پول خود اوست که قبلاً به حساب جاری صادرکننده چک واریز نموده است. اما اگر علت صدور دستور عدم پرداخت در مرجع قضایی به اثبات نرسید و ثالث ذیحق نسبت به وجه چک شناخته شد، او وجه چک را از بانک دریافت خواهد نمود و این پولی است که صادرکننده دستور عدم پرداخت، یعنی دارنده اولیه (ذینفع) به حساب جاری صادرکننده واریز کرده است و موضوع به ضرر و زیان دارنده اولیه چک تمام می‌شود. در حالتی که حساب جاری موجودی نداشت، هرگاه چک با ظهرنویسی به دارنده بعدی چک انتقال یافته باشد، دارنده اولیه به عنوان ظهرنویس در مقابل دارنده بعدی مسوولیت خواهد داشت، ولی در فرض عدم ظهرنویسی و وقوع و اثبات یکی از موارد مندرج در صدر ماده ۱۴، دارنده اولیه در برابر ثالث مسوولیتی نخواهد داشت و او با گرفتن لاشه چک، وجه آن را از بانک منحل علیه خواهد گرفت.

هرگاه صادرکننده دستور عدم پرداخت می‌دهد، تامین وجه در حساب جاری را از سوی او باید پذیرفت، اما در مورد دارنده و ذینفع چک موضوع با توجه به توضیحاتی که داده شد، قابل تأمل و دقت می‌باشد و اگر او عالماً و عامداً خواست وجه چک را از حساب جاری صادرکننده چک تامین نماید، به نظر می‌رسد که بانک نباید مانع کار بشود. نظریه مورخ ۷۷/۸/۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه ناظر به دستور دهنده عدم پرداخت است و وجه افتراقی بین صادرکننده چک و دارنده (ذینفع) اعلام نشده است.

موضوع قائم مقامی اشاره شده در صدر ماده ۱۴ نیز بحث و بررسی خاصی را می‌طلبد که در فرصت دیگری می‌بایست به آن پرداخت.